



سمیه رحیم زاده



سرشناسه : رحیم زاده، سمیه، ۱۳۶۵ -، گردآورنده
 عنوان و نام پدیدآور : ماه بی تکرار من، سمیه رحیم زاده.
 مشخصات نشر : مهولات: انتشارات جالیز، ۱۳۹۹. مشخصات ظاهری: ۹۰ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۳۵۷۳-۵ ریال ۱۸۰۰۰۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : پدران -- مطالب گونه گون : Fathers - Miscellanea - پدران -- شعر: Fathers --
 Poetry - پدران -- کلمات قصار: Fathers - Quotations - پدران -- جنبه های مذهبی -
 اسلام: Fathers -- Religious aspects - Islam - پدران -- داستان: Fathers --
 Fiction - شعر فارسی -- مجموعه ها: Persian poetry -- Collections
 رده بندی کناره : HQ
 رده بندی دیویی : ۳۰۶/۸۷۴۲۰۲۲۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۲۲۱۱



ماه بی تکرار من

مؤلف: سمیه رحیم زاده

ناشر: انتشارات جالیز

چاپ: اول، بهار ۱۳۹۹ / ۱۰: ۱

قطع: رقعی / تعداد صفحه: ۹۰

قیمت: ۱۸۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۳۵-۷۳-۵

طراح جلد: سعیده اکبریان

صفحه آرائی: محمد قرائی

حق چاپ محفوظ است

آدرس: مشهد- بلوار شهید رضوی درب دانشکده روانشناسی دانشگاه فردوسی

تلفن: ۰۹۱۵۸۳۱۹۵۳۵ - ۰۹۱۵۹۳۰۹۹۶۳ - ۰۵۱۳۸۷۹۵۲۸۸

انسان، موجودی عاطفی و نیازمند مهر دیدن و مهر ورزیدن است. این نیاز معنوی چونان احتیاج به آب و غذا و هوا، از نیازهای ضروری آدمی است. در این میان، عاطفه پروری در نظام خانواده اهمیتی ویژه دارد. اگر محبت نباشد، کی مادر، دل پذیرترین آسایش هایش را فدای فرزند خود می کند؟ کجا پدر، رنج طاقت سوز زندگی را به جان می خرد تا فرزندش راه زندگی بیوید؟ همان سان که پدر و مادر، مهرمندان، اغلب بی دریغ خود را نثار فرزندانشان می کنند، خود نیز نیازمند محبتند. پدر و مادر بزرگترین جسر زندگی هر فردی هستند و هر فردی برای داشتن شان افتخار می کنند و زمانه که جسر فیزیکی آنها نباشد غم بزرگی در دل عزیزانش می گذارد. آنان که از نعمت حضور پدر و مادر محروم شده اند، فرصت نیکی کردن به آنها را تمام شده نپندارند. بی شک، پدر و مادر ما پس از مرگ، بینواتر و نیازمندتر از همیشه اند و اگر چه دستشان کوتاه گشت. و فرصت عمل شان تمام شده است، ولی چشم به راه احسان ما هستند.

همه ی فرشته ها که بال ندارند. گاهی فرشته ها دو دست ندارند و دو پای محکم. بهشت زیر پای پدران نیست. اما بی ریا برایمان زحمت می دهند. تمام طول روز کار می کند و سختی های زندگی را تنهایی به دوش می کشد تنها برای یک لبخند ما. بهشت زیر پای پدران نیست بلکه در دستان آن ها است. همان دستان پینه بسته ای که کار می کنند تا ما با اشاره ای هر وسیله ای که دلمان می خواهد بخریم. بهشت در نگاه پدر است همان نگاه خسته ای که از آن ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی می بارد، همچون ابر از وجودش می کاهد و همچون بارانی بر سرمان

می بارد تا مثل بذری از دل خاک جوانه بزیم و رشد کنیم ولی همچنان مانند ابری بالای سرمان می ماند و از دور حواسش هر لحظه به ما است. در سرما کنار می رود تا نور خورشید بر ما بتابد در گرما مانند چتری بالای سرما می ماند تا از گرما دور بمانیم و در هنگام عطش همچون بارانی خنکای آب را در وجودمان تزریق می کند. پدرها در هنگام سختی اشک نمی ریزند شیون نمی کشند بلکه عرق می ریزند، آه می کشند. پدر مانند کوهی محکم همیشه تکیه گاه می ماند و همیشه کمر خمیده ی خود را پشت لبخند محکم خود پنهان می کند. پدرها قهرمان قصه ی همه ی بچه ها هستند. مراقب قهرمان زندگیمان باشید، خیلی از مادرهای سرزمین من شیر زن هستند. و هم زمان هم پدر هستند. ای زندان خود و هم مادر. و خیلی از پدرهای سرزمین من هم پدر هستند هم مادران. ما در رنگی اسطوره اند. اسطوره هایی که هرگز در ذهن و قلب ها نمی میرند. پدرها و مادرها فرشته هایی هستند که بال ندارند.

این کتاب در راستای ارج نهادن به مقام ارج پدر نوشته شده، امید است مورد عنایت و توجه قرار گیرد و قصور کتاب را بر بنده ی حق ببخشائید.

امضای خدا پای همه ی آرزوهایتان

سمیه رحیم زاده

پائیز ۹۸

هشترود